

## اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک و غیر دموکراتیک

\* حسین مسعودنیا / پیمان شیخ محمودی \*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۱

### چکیده

در ادبیات اقتصاد سیاسی، تحریم به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزار سیاست خارجی کشورها، همچنان نقش پررنگ خود را در قرن بیست و یکم حفظ کرده و بعنوان یک اهرم فشار قدرتمند از سوی قدرت‌های بزرگ علیه سایر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه، تحریم به دلیل کم هزینه بودن نسبت به ابزار نظامی و به عنوان یک جایگزین مناسب، نقش حائز اهمیت رادرسطح بین الملل ایفا می‌کند. اثرات و پیامدهایی که تحریم بر ساختارهای سیاسی کشورهای تحت تحریم می‌گذارد می‌تواند به بی ثباتی سیاسی، خشونت، نارضایتی عمومی، تغییر رژیم، شورش و کودتا منجر شود. هدف از تحریم این است کشور تحت تحریم، به تدریج ضعیف و بی ثبات شده و در نهایت نوع رفتار سیاسی خود را تغییر دهد. فرضیه مقاله این است که به نظرمی رسد تحریم با وجود تأثیرات غیرقابل انکاری که در بی ثبات سازی دولت‌های دموکراتیک دارد، دارای تأثیر محدودی در بی ثباتی سیاسی کشورهای غیردموکراتیک دارد. نقش فشار ناشی از تحریم در تغییر رفتار سیاسی کشورهای غیر دموکراتیک بسیار نادر بوده است.

واژگان کلیدی: تحریم، بی ثباتی سیاسی، تحریم اقتصادی، کشورهای غیردموکراتیک و کشورهای

دموکراتیک

---

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، hamass@2005yahoo. com

\*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، paymanshaykhmahmodi@gmail. com

## مقدمه

هدف اقتصاد سیاسی ارائه تحلیل‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی از فرایندهای اقتصادی است. این مباحث (اقتصاد سیاسی) عمدتاً دربرگیرنده تأثیراتی است که اقتصاد و سیاست برهم می‌گذارند بدین معنا اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی می‌تواند بر ساختارهای سیاسی تأثیر بگذارد و بالعکس. تحریم نیز در این مقوله چنین رویکردی را دارد و می‌تواند این مبحث را در این چارچوب جای داد که تحریم کشوری از جنبه اقتصادی، می‌تواند بر ساختار سیاسی کشور مورد نظر اثرگذار باشد. تحریم‌ها اگرچه ابزاری اقتصادی هستند اما کاربرد عمده آنها در جهت دستیابی به تغییر رفتار سیاسی دولت‌ها و بازیگران دولت-های تحریم شونده است. بدین گونه که با ابزار اقتصادی درصدد نیل به اهداف سیاسی برمی‌آیند که وجه مشترک تأثیرات اقتصادی و سیاسی و تأثیرات متقابل بر یکدیگر نمایان می‌سازد. امروزه وابستگی اقتصادی کشورها در عصر جهانی شدن ارتباطات و سرمایه داری وابسته هرچه بیشتر به اهمیت و حضور تحریم در عرصه بین‌المللی افزوده شده است. به نظر می‌رسد وابستگی متقابل کشورها را نمی‌توان بی‌تأثیر از کاربرد گسترده سلاح تحریم در نیل به اهداف و همسو با منافع دولت‌های مسلط قلمداد کرد. بتدریج هرچه کشورها وابستگی بیشتری از حیث اقتصادی و سیاسی به یکدیگر داشته باشند اثرات تحریم نیز به مراتب بیشتر خواهد بود. تحریم یکی از مهمترین ابزار بین‌المللی است که علیه کشورهای خاطی نظم و معاهدات بین‌الملل بکار می‌برند. این ابزار می‌تواند به طور خاص تمام جوانب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشوری را تحت الشعاع خود قرار دهد. بدین معنا کشورهای مسلط و تحریم کننده، می‌تواند با

سیاست‌پژوهی

دوره ششم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۸



۱۵۰

مجازات، تنبیه، بلوکه کردن، انسداد روابط اقتصادی و قطع روابط دیپلماتیک، در صدد عدم دستیابی به اهداف کشور مورد تحریم قرار می‌گیرند و با فشارهای اقتصادی و سیاسی خودخواهان تغییر رفتار کشور مورد تحریم هستند. اگرچه این تحریم‌ها عمدتاً از طرف کشورهای قدرتمند و صنعتی علیه کشورهای در حال توسعه بویژه دولت‌های غیردموکراتیک به کار می‌برند و با این اقدام تاحدودی موفق شده‌اند، اما در تمام موارد و به صورت قطعی تحریم‌ها نتوانسته است به تغییر نظام سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی این طیف از کشورها دست یابد زیرا کشورهای مزبور به دلیل ساختار و نهاد غیردموکراتیک پاسخگوی این بی‌ثباتی‌ها نیستند و بیشتر از همه قشر ضعیف جامعه و مردم از این اقدام متضرر خواهند بود. این پژوهش برپایه نظریه اقتصاد سیاسی درصداًست که دریابد تحریم‌ها از این جنبه (اقتصاد سیاسی)، چه تأثیری بر ساختارهای سیاسی کشورهای مورد تحریم چه از نوع دموکراتیک و چه اقتدارگرای غیردموکراتیک گذاشته است؟ مطالعات نشان داده است که تحریم به زعم خود منجر به انزوای سیاست خارجی کشورها می‌شود و کشوری که مورد تحریم قرار گرفته است روابط آزادانه اعم از سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی از او سلب می‌شود. فرضیه مقاله این است که به نظر می‌رسد تحریم با وجود تأثیرات غیرقابل انکاری که در بی‌ثبات سازی دولت‌های دموکراتیک دارد، دارای تأثیر محدودی در بی‌ثباتی سیاسی کشورهای غیردموکراتیک دارد. اگرچه کشورهای تحت تحریم به دلیل سلب جریان‌های اقتصادی و مالی توسط دولت‌های مسلط، مسبب خسارت‌های فراوانی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی هستند و عملاً تحریم توانسته است جریان آزاد سرمایه و ارتباطات اقتصادی و سیاسی آنها را سلب کند اما مطالعات مختلف نشان می‌دهد تأثیرگذاری تحریم بر ساختارهای مزبور محرز و ملموس است و عمدتاً در دولت‌های دموکراتیک تأثیرگذاری بیشتری داشته است به گونه‌ای که این دولت‌ها به دلیل ساختار دموکراتیک و پاسخگوی خود عموماً به تغییر رفتار سیاسی و حتی تغییر نظام سیاسی آنها منجر شده است اما قاعده فوق

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی  
تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



دردولت‌های غیردموکراتیک صدق نمی‌کند و نتوانسته است دیکتاتوری را ساقط کند. به نظرمی‌رسد تحریم‌ها به علت کم هزینه بودن نسبت به ابزار نظامی بکار برده می‌شود چراکه گزینه نظامی دارای هزینه‌های هنگفتی است و سبب گسترش خشونت و جنگ می‌شود. این ابزار (تحریم) همواره به زعم خود کاربرد زیادی داشته و به یکی از اهرم‌هایی مناسب در سطح بین الملل تبدیل شده که برای تنبیه و مجازات دولت‌های خاطی نظم و معاهدات بین الملل بکار برده می‌شود. تأثیرات تحریم ملموس است زیرا انسداد روابط اقتصادی و سیاسی برای هر کشوری در عصر جهانی شدن ارتباطات و وابستگی کشورها به یکدیگر، مایه زیان و ضررهای غیرقابل انکاری می‌شود. بنابراین لازم است که این مقوله (تحریم) و تأثیرات آن مورد واکاوی و بازنگری قرار گیرد. این مقاله به صورت مجزا ابتدا به تعریف تحریم، اهداف تحریم و در نهایت به تأثیرات تحریم بر ساختار سیاسی دولت‌های مزبور (دموکراتیک و غیردموکراتیک) اشاره می‌کند.

## ۱. چارچوب نظری

تحریم به عنوان ابزاری کارآمد برای تأمین منافع سیاست خارجی طیفی از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحریم اقتصادی نوعی دیپلماسی اجبار است که در آن آمیزه‌ای از زور و دیپلماسی به صورتی هدفمند استفاده می‌شود تا کشوری که به دنبال وضع موجود است و یا هم اکنون وضع موجود را دگرگون ساخته و ادار کند تا در تصمیم‌های خود تجدید نظر نماید. بدین سان اثرگذاری بر سیاست‌های یک کشور از جمله تغییر نظام و تحت فشار قرار دادن آن برای تغییر در رفتارهایش از جمله برجسته‌ترین دلایل تحریم محسوب می‌شود. اثرگذاری تحریم بستگی به وابستگی کشور تحریم شده به کشور تحریم کننده دارد. بدین معنا هرچه کشور هدف دموکراتیک‌تر باشد و از نظر اقتصادی نیز وابستگی بیشتری داشته باشد شانس اثرگذاری تحریم بیشتر می‌شود. این پژوهش بر مبنای دو نظریه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نظریه اول از دیدگاه



السون و تأثیر تحریم بر بی ثباتی را مورد بررسی قرار داده است که در زمره دولت‌های دموکراتیک قرار می‌گیرد. نظریه دوم نیز بر مبنای نظریه لکتزین و سووا<sup>۱</sup> در مورد اثرات تحریم بر ساختارهای سیاسی دولت‌های تحت تحریم غیردموکراتیک نظریه پردازی کردند که بصورت مجزا به هریک از آنها اشاره خواهیم کرد.

### ۱-۱. آلسون؛ نظریه پرداز گروه اول

بر اساس مطالعات آلسون فشارهای اقتصادی به طور غیرمستقیم می‌تواند منجر به فروپاشی اقتصادی شود و این فروپاشی که وابستگی و برخوردهای اجتماعی از قبل به طور ملاحظه‌ای وجود داشته باشد می‌تواند به تغییر رژیم و در نهایت به تحقق هدف‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ منجر شود. به عبارتی چنین رابطه علت و معلولی موثر بوده است که عبارتند از: غنا در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۷۲ برزیل در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ پرو در سال‌های ۱۹۶ تا ۱۹۶۸ و شیلی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳. در همه موارد مربوط به آمریکای لاتین رژیم‌های را که از ناآرامی‌های داخلی سربرآورد از سیاست‌های اقتصادی آمریکا در منطقه بیشتر تبعیت می‌کرد. در حالی که شاید این مثال‌ها کفایت موارد فشار اقتصادی (تحریم) را نکنند، اما این خود تأثیر بالایی موفقیت را نشان می‌دهد. (به نقل از- هالستی ۱۳۷۳: ۳۹۴-۵). بدین سان می‌توان چنین استنباط کرد که تحریم اقتصادی دولت‌های دموکراتیک و حتی شبه دموکراتیک اثرگذاری بیشتری دارد و مطالعات مزبور می‌تواند مصداق بارزی از این حیث باشد که دولت‌های دموکراتیک با تحریم اقتصادی می‌تواند بی‌ثبات سازی از حیث سیاسی را تجربه کنند.

سیاست ژوپی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



## ۱- ۲. لکتزین وسووا؛ نظریه پردازان گروول دوم

آنها در مورد حکومت‌های غیر دموکراتیک معتقدند که تحریم اقتصادی علیه حکومت‌های غیر دموکراتیک اثرگذاری کمتری بر جای می‌گذارد (به نقل از معظمی، سرعتی آشتیانی، ۱۳۹۱: ۳۰). بدین معنا به دلیل ساختار غیر دموکراتیک بودن آنها مشکل چندانی از اثرات آن ندارند و تحریم‌ها نمی‌تواند بر ساختارهای سیاسی این طیف از دولت‌ها اثر بگذارد. بر طبق این نظریه‌ها به نظر می‌رسد دولت‌های غیر دموکراتیکی همچون کره شمالی و روسیه می‌تواند مصداق بارز و روشنی برای ما باشد. بدین سان این کشورها سال‌های مدیدی است که به علت سیاست‌های غیر دموکراتیک خود مورد تحریم آمریکا و متحدانش قرار گرفته‌اند، اما تحریم‌ها نتوانسته به ساختارهای سیاسی آنها ضربه وارد کند و در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی مقاومت می‌کنند.

## ۲. تحریم

تحریم<sup>۱</sup> شیوه پسر و صدای اعلام مخالفت نظیر عدم حضور در یک جلسه یا عدم خرید محصولات یک کشور یا شرکت به منظور مجازات یا اعمال فشار جهت تغییر سیاست، موانع یا رفتار آن. این اصطلاح از نام کاپیتان بایکوت زمیندار ایرلندی که در سال ۱۸۸۰ در معرض این گونه رفتارها قرار گرفت ریشه می‌گیرد. (مک لین، ۱۳۸۷: ۱۰۳) در جای دیگر تحریم به معنی اقدامات غیر نظامی محسوب می‌شود که بر انتقال کالا، خدمات، سرمایه و تکنولوژی یک کشور اثر گذاشته و هدف از این اقدام را تنبیه، مجازات یا وارد ساختن آن کشور به همخوان کردن خود با اهداف سیاسی کشور تحریم کننده یا تغییر سیاست‌های کشور متخاصم می‌باشد. (معظمی، سرعتی آشتیانی، ۱۳۹۱: ۲۹). بنابراین تحریم یک ابزار سیاست خارجی است که توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی برای تحت فشار قراردادن یک دولت یا گروهی از حکومت‌ها برای تغییر یک سیاست، کاهش



1. boycott

تجارت، سرمایه گذاری و یا فعالیت‌های بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد  
(Chingono:2013,21).

تحریم عبارتند از اقدامات عامدانه حکومت برای وارد کردن محرومیت اقتصادی بر دولت یا جامعه به منظور محدودیت یا توقیف روابط اقتصادی بعنوان جایگزین ابزار نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر اثر فشار بردولت تحت تحریم، اجازه می‌دهد که رفتار خود را تغییر دهد یا در جهت اهداف کشور تحریم کننده قرار گیرد. (گگلی، ویتکف، ۱۳۸۴: ۱۴۶) این ابزار عملی دسته جمعی و کیفری است که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی در برابر کشوری می‌باشد که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است. (وصالی، ترابی، ۱۳۸۹: ۳۸) در گزارش سال ۲۰۰۶ انجمن

آمریکایی پروفیسورهای دانشگاه (AAUP)<sup>۱</sup> در جلسه‌ی شورا در یک سخنرانی آزاد تصریح کرد: تحریم‌ها در واقع سلاحی تکنیکی برای منازعه سیاسی است. به طور مثال در بازی تحریم‌ها به استثنای رقبای بین المللی، نماینده دولت‌ها و اعضای سیاسی انجمن بین المللی به زعم خود می‌تواند نماد یک تأثیر قدرتمند داشته باشد.  
(heins,2003,6).

ادبیات تحریم به ارزیابی تأثیرپذیری تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه و هزینه‌های برای کشورهای اعمال کننده و گیرنده اعمال می‌گردد. (پیردایه، پادام، ۱۳۹۴: ۳) در همین رابطه از منظر اقتصاد سیاسی تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای کنترل کشورهای است که در راستای منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای مسلط رفتار نمی‌کنند. در واقع پیش فرض کشورهای تحریم کننده اینست که هزینه تمکین در برابر خواست آنها از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی بر کشور تحریم شونده کمتر است. وابستگی کشور به تجارت خارجی سبب می‌گردد که کشور تحریم شده از تحریم‌ها آسیب ببیند و رفاه

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



1. American asassotion of university professors

جامعه کاهش یابد و به سبب فشار به تدریج کشور تحریم شونده به خواست کشوری کشورهای تحریم کننده تن دهد. (فرازمند، حکمت، کیان پور، ۱۳۹۱: ۲۳۸). در این راستا می توان گفت تحریم های بین المللی سوابقی طولانی در زندگی بشردارد و از این ابزار برای تحت فشار قرار دادن رقبا همواره از طرف دیگر کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. اما طبق سوابقی طی سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ بعضی از شکل های تحریم بر دیگر ملل بیش از ۶۰ بار با نرخ میانگین سالانه بیشتر از یک مورد تحریم جدید تحمیل شد. بیش از سه چهارم این تحریم ها توسط آمریکا شروع و تداوم یافت و از میان این دسته نیز سه چهارم موارد صرفاً توسط آمریکا بدون شرکت دیگر کشورها اعمال شد. (صیادی، برکشلی: ۱۳۹۵، ۱۵). آمریکا بعنوان بزرگترین اقتصاد جهان غالباً در کاربرد اهرم تحریم یکه تاز بوده است. این کشور در بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ به تنهایی ۸۵ تحریم علیه دولت های خارجی اعمال کرده و برخی نیمی از بشریت را مشمول تحریم های این کشور دانسته اند. (اس نای، ۱۳۹: ۱۰۸). همراهی جهانی با تحریم بسیار مهم است و رسیدن به اجماع جهانی علیه یک کشور مشکل است زیرا امروزه کشورها به دلیل وابستگی های اقتصادی به همدیگر هزینه هایی را بر طرفین تحمیل می کنند. از این رو هزینه های تحریم مشمول طرفین می گردد و سبب می شود دیگر کشورها به سهولت زیر بار این اقدام نروند. زیربنای تفکر تحریم یک فکرمادی گرایانه است. مسئله ای که اقتصاد را تا سطح امنیتی بالا برده و به آن اصالت می بخشد. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۲: ۲۷). همانطور که وودر ویلسون رئیس جمهور آمریکا گفته بود مجازات اقتصادی (تحریم) درمان مسالمت آمیز آرام و مرگبار است. در این باره فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و سازمان هلال احمر در گزارش فاجعه جهانی ۱۹۹۸ به نقل از ویلسون نتیجه می گیرد که تحریم موشک های کروز نیستند، اما سلاح های فوق العاده ای به





شمار می‌روند و مشابه اقتصادی بمباران همه جانبه هستند. (العنبری، ۱۹۹۹: ۳۱۶).

### ۳. اهداف تحریم

هدف تحریم اقتصادی آسیب رساندن به توان اقتصادی کشور مورد تحریم بدون وارد آمدن آسیب مشابه به کشورهای تحریم کننده است. دستیابی به این حالت مستلزم وجود شرایطی است که بدون در نظر گرفتن آنها جامعه تحریم کننده حاضر به گسترش تحریم نخواهد بود. (میرمطهری، ۱۳۹۴: ۹۴) به رغم آنکه تحریم‌های اقتصادی با هدف وارد ساختن کشور مورد تحریم برای تغییر رفتار و خط مشی سیاسی از طریق فشارهای اقتصادی به ندرت موفقیت آمیز بوده‌اند، اما همچنان به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. (پیردایه، پادام، ۱۳۹۴: ۶) زیرا هدف تحریم‌ها لزوماً تغییر موقعیت‌های گسترده نیست. در حقیقت تحریم‌ها می‌تواند یک خشنودی ظاهری و نمایشی برای اجتناب از گسترش یک جنگ پرهزینه را مهیا کند. علاوه بر این حکومت‌ها غالب اوقات چندین اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند. تحریم‌ها عموماً هدف خود را ضعیف و در نهایت اگر مخالف اهداف و سیاست تحریم کنندگان باشد اقدامات کشور مورد نظر را غیر موثر و یا خنثی می‌کنند (36- 5, 2006: rour digger). اگر هدف تحریم تغییر سیاست‌های دولت تحریم شده باشد این هدف از طریق ابزارهایی به غیر از تحمیل هزینه‌های اقتصادی نیز قابل دستیابی است. تحریم ممکن موجب احساس شرمندگی یا انزوای سیاسی کشور تحریم شونده شود که می‌تواند به عنوان تهدیدی برای اقدامی شدیدتر در آینده بکار رود. این امر ممکن است صرفاً فرصتی برای دولت تحریم شده جهت تجدید نظر سیاست‌هایش را فراهم سازد. (ابوت، ۱۳۷۶: ۱۰). تحریم اقتصادی اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. این تحریم‌ها از جنبه

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



غیراقتصادی آن معمولاً قبل از تحریم‌های اقتصادی آغاز می‌شود و هدف آن ترغیب کشور هدف به تغییر سیاست مورد نظراست و می‌تواند موارد زیر را در نظر بگیرد:

لغو ملاقات چند جانبه ۲- خودداری از اعطای ویزا ۳- جلوگیری از عضویت کشور هدف در سازمان‌های بین‌المللی ۴- مخالفت با میزبانی کشور هدف برای میزبانی اجلاس بین‌المللی ۵- خودداری از کمک‌های مالی و مساعدت‌های رسمی، ۶- قطع ارتباط تلفنی، رادیویی، حمل و نقل هوایی، دریایی، زمینی. (دره شیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳)

در مطالعات جدید ضمن آنکه هدف از اعمال تحریم‌ها رامجازات خاصی می‌داند طیف خاصی از اهداف را برای آن در نظر می‌گیرند. فرانچسکو گیو ملی<sup>۱</sup> معتقد است اگرچه بیشتر گفتارهای سیاسی و مباحث عمومی بر روی اهداف اصلی تحریم‌ها متمرکز است اما این تحریم‌ها در جهت‌های مختلفی بکار برده می‌شوند. به نظر وی تحریم‌ها و هدف از اعمال آن سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: اجبار یا تغییر رفتار تحریم شوند، ممانعت برای تحریم شونده جهت جلوگیری از بکارگیری فعالیت‌های ممنوع یا برچسب زدن به تحریم شوندگان یا دیگران در موردن قصص یک هنجار بین‌المللی. (به نقل از عسگریان، وکیلی: ۱۳۹۳، ۱۲۴) علاوه بر این تحریم می‌تواند سه اصول بنیادین زیر را مورد هدف خود قرار دهد: ۱- وادار کردن به تغییر در اهداف و باورها ۲- تحمیل یک هدف جالب توجه از طریق ممنوع ساختن فعالیت‌ها. ۳- پیغام و برچسب زنی (داغ ننگ زدن) به دیگران در مورد شیوه خشونت بین‌المللی گرچه این اهداف برای تغییر می‌تواند موثر باشد اما به طور ضمنی این حوادث می‌تواند در تصمیم‌گیری و ارزیابی اهداف تحریم مهم تلقی شود. (biersteker:2013,13).

یک تحریم به طور خاصی علیه یک کشور و یا گروه برای فشار برخی تغییرات مورد تحریم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر تحریم شکلی از مجازات علیه یک کشور یا



1. Francesco giumeli

گروه در حکم فشار برای برخی تغییرات مورداستفاده قرار می‌گیرد. این خود پایه و اساس تئوری اقدام مشخص در ارتباط میان انزوای خواسته‌ها و اهداف را تشکیل می‌دهد. این پدیده بخشی از سیاست بین الملل است که به نوبه خود نسبتاً جدید است و در این اقدام، بالابودن درجه انگیزه در تحریم خیلی متفاوت می‌باشد. (greiff:2002,28)

یکی از هدف‌های مهم و برجسته تحریم تغییر سیاست‌های کشوری است که مورد تحریم قرار گرفته است. سایر اهداف هم در این مقوله دخیل است که شامل ارتقای حقوق بشر، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد. ایجاد بی‌ثباتی در کشور مورد تحریم شدید نیز در این زمره قرار می‌گیرد و مقصود از آن ایجاد تغییر در نظام سیاسی کشور مورد نظر است. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۸۵) بنابراین می‌توان گفت تحریم‌ها عمدتاً اصول خاصی را دنبال می‌کنند و هدف از اعمال تحریم را تغییر رفتار سیاسی و باور کشوری است که با اهداف و منافع کشورهای دیگر در تضاد است و با اختلال در اهداف کشورهای خاطی، درصدد است آنها را وادار به این تغییر رفتار و رویکرد کند.

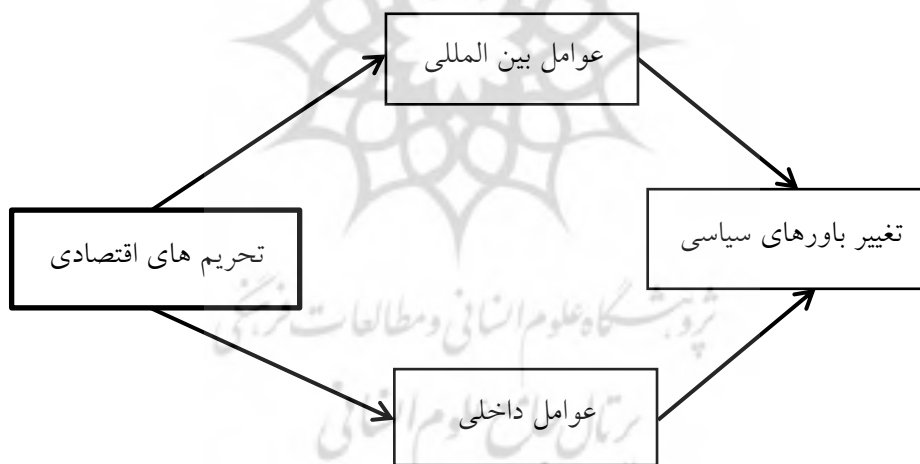
#### ۴. تأثیرات تحریم بر ساختارهای سیاسی

در گذشته تحریم مترادف یک ممنوعیتی عمومی اطلاق می‌شد که علیه اهداف داخلی یک جامعه متمرکز می‌یافت. تحریم‌ها به طور ویژه‌ای موجب انزوای سیاست خارجی کشور مورد تحریم می‌شود. تحریم یک کشور با طرح و اجرای روش‌ها و سیاست‌های متفاوت به کمک و نفوذ دیگر بازیگران، می‌تواند اهداف سیاست خارجی کشوری را مورد هدف قرار دهد. به طور واقعی بازیگران با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، انگیزه محرک، تحمیل مجازات و تعیین اجباری که از پیامد فرایندهای سیاسی است را به عنوان راهی مطلوب بکار می‌برند. (gumeli,ivan:2013,76) این تحریم‌ها می‌تواند به

زعم خود امکان اشتغال قشر جمعیت جوان و جویای کار را در اثر عدم اشتغال ورشد صنعتی سلب می‌کند. در اینجا هم شبکه‌های اجتماعی به سهم خود سبب ایستادگی و تهییج آنها در مقابل دولت ملی و مبارزه خشونت بار می‌گردد. (بی نیاز، ۱۳۹۰: ۵۸۶)

کارآمدی تحریم‌ها به دلیل کم هزینه بودن در مقایسه با جنگ سبب مطلوبیت بیشتری نزد کشورها برخوردار است. اقداماتی که در این چارچوب قرار می‌گیرد موجب بالارفتن آنتروپی مثبت (فناپذیری) در سیستم‌ها و نظام سیاسی آنها و در نهایت به دلیل افزایش فشارها کشور تحریم شونده مجبور به پذیرش در خواست‌های طرف تحریم کننده می‌شود. (مختاری هشی، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۷۳). براین اساس این اقدامات رami توان در نمودار زیر به تصویر کشید.

#### مدل نظری برای تحلیل تأثیرات تحریم‌ها



Source: oxenstieran and Olsson (2015,23)

#### ۵. تأثیرات تحریم بر ساختارهای سیاسی دولت‌های دموکراتیک

تحریم‌های اقتصادی امروز زائیده نوعی تفکر جنگ سرد است و تحریم اقتصادی را



وسیله‌ای مدرن تر و قابل پذیرش‌تری برای تحمیل خواسته‌ها بر می‌شمرند. اعمال تحریم‌های جدید را باید موقعیتی میان جنگ و گفتگو دانست که ورای فضای گفتگو بدون ورود به شرایط فیزیکی جنگ، ایجاد پیامدهای سوءروانی و اقتصادی را برای هدف‌های مورد تحریم قرار داده است. (وافری، ۱۳۹۳: ۳) زیرا تحریم نه تنها حکومت قانون را که از اهداف کشورهاست ضعیف می‌کند بلکه می‌تواند حریم قانونی حکومت‌ها و بازبینی سازمان‌ها را به طور کامل تضعیف کند. به طور خاص تحریم‌ها می‌تواند هزینه‌های گزافی را بر کشورها تحمیل کند. این هزینه‌ها شامل آشوب، ناآرامی توده‌ها، نارضایتی نخبگان و تغییر رژیم می‌باشد که به تدریج می‌تواند سبب به زانو درآمدن و تسلیم حکومت‌ها شود. (drezner, 2011: 108) به گفته اُلسون<sup>۱</sup> تحریم‌های اقتصادی می‌تواند فشارهای اقتصادی جدی بوجود آورد و تنش‌های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه را شدت بخشد بنابراین احتمال ناآرامی‌های داخلی و کودتا را شدیداً افزایش می‌دهد. (به نقل از هالستی ۱۳۷۳: ۳۹۴-۵). بدین سان از حیث اقتصاد سیاسی می‌توان افزود که یکی از اهدافی که سیاستمداران کشورهای تحریم‌کننده دنبال می‌کنند این است که با افزایش فشار اقتصادی و در تنگنا قرار دادن کشور مورد تحریم، فشارهای اقتصادی بتواند به تدریج موجب تغییر در رفتار سیاسی گردد که این تغییر می‌تواند تغییرات سیاسی را نیز به دنبال داشته باشد بدین سان فشارهای تحریم می‌تواند رفتار و سیاست رژیمی را که با منافع کشورهای تحت تحریم در تضاد است ساقط نمایند. تحریم‌ها به عنوان یک ابزار بین‌المللی بکاربرده می‌شوند و اجرای آن باید به بررسی عمیق و ژرفی در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش از تحریم‌ها و بررسی وضعیت مردمی که در کشور مورد تحریم زندگی می‌کنند پردازد. بدون این یافته‌ها نظارت برای درک پیامدهای سیاست‌های بین‌المللی بر زندگی مردم ناممکن خواهد

بود. (فون، سن، ۱۳۹۴: ۳۹۲) زیرا ابزار نظامی به دلیل هزینه‌های گزاف آن کارآمدی کمتری نسبت به تحریم دارد. می‌توان تحریم‌های اعمال شده آمریکا علیه رژیم فیدل کاسترو در کوبا را مد نظر گرفت که در آن بحران موشکی کوبا و استفاده از ابزار نظامی می‌توانست هزینه‌های هنگفتی را برجای بگذارد و می‌توان به خطر یک جنگ هسته‌ای اشاره کرد. بدین سان تحریم‌ها با وجود بی‌اثر بودن آنها در برکناری کاسترو، به لحاظ تحمیل هزینه‌های گزاف به حکومت تا حدودی کارآمد و مفید واقع شد. هرچند که اقدام نظامی می‌توانست موجب سقوط و برکناری او شود اما سنجش هزینه‌های بالقوه تحریم‌ها، کارآمدترین ابزارسیاست در این میان به شمار می‌رفت. (Baldwin:1985,119)

تحریم‌ها عموماً با ابزارهایی از قبیل تهدید نظامی و انزوای سیاسی بکاربرده می‌شوند. تحریم یک کشور غالباً چندین سال به طول می‌انجامد و طی این مدت تغییرات اقتصادی و سیاسی مهم مستقل از تحریم به وقوع می‌پیوندد که این تأثیرات را نمی‌توان به سهولت از تأثیرات اقتصادی جدا نمود. بدین سان می‌توان چنین استنباط کرد که تحریم‌ها می‌تواند هزینه‌های گزافی را بر روی کشوری که مورد هدف تحریم قرار گرفته است تحمیل کند. (نعمتی: ۱۳۹۱، ۱۸) زیرا متمرکز شدن تحریم‌ها به معنی تشدید در باور و عقاید رژیم است که این تغییرات می‌تواند نسبتاً سریع به وقوع بپیوندد. وجود فشارهای تحمیل شده از جمله فساد، آشوب و کشمکش‌های قدرت داخلی می‌تواند موجب تغییر رژیم و بی‌ثباتی سیاسی گردد. (kordesman:2014,160)

این آسیبها بیشتر موجب آشوب و بی‌ثباتی علیه اهداف کشوری می‌شود که مورد تحریم قرار گرفته است. بی‌ثبات سیاسی نیز در کشور مورد تحریم، موجب تهدید علیه ثبات سیاسی کشورهای مجاور شده و به تدریج سبب بروز جنگ‌های بین‌الدولی و شهری و منطقه‌ای می‌شود. (dursan:2014,3) تحریم‌ها علی‌رغم گسترش بی‌ثباتی، آشوب و کشمکش‌های داخلی، حالتی تسری‌یابی و بی‌ثبات‌کننده دارند. بدین معنا که



اگر در کشوری بی ثباتی سیاسی در اثر تحریم بر جای بگذارد با گسترش ابعاد بی ثباتی در کشور مزبور این بی ثباتی‌ها به تدریج موجب سرایت این بی ثباتی به کشورهای همجوار و همسایه گشته و به تدریج سبب گسترش جنگی منطقه‌ای می‌گردد.

گری هافباور و جفری اوسکات هیجده موردی ثبات سازی را استخراج کردند و دریافته اند که تحریم‌ها با سیاست‌های دیگر کامیابی شگفت‌انگیزی در بی ثبات سازی حکومت‌ها دارد. خط مشی بی ثبات سازی پیوسته مبتنی بر تحریم‌هاست. بی ثبات سازی قصد تغییر سیاسی حکومت کشور مورد نظر را ندارد و در عوض به دنبال متزلزل ساختن نظم اجتماعی و سیاسی است تا بدین وسیله جامعه خود را ناگزیر از تغییر رهبری سیاسی گرداند. بدین سان بی ثبات سازی بیش از آنکه سیاست باشد سیاسی

یاست پژوهی

است چراکه بی ثبات سازی مفهومی پیچیده است. بنابراین صرفاً قدرت اقتصادی و کنترل بر توانایی‌های بالقوه مادی نمی‌توانند بیان‌کننده شکست و کامیابی بی‌ثبات سازی باشد. ساختارها و کنترل نهادهای جامعه بی ثبات در تشخیص کامیابی یک اقدام بی ثبات سازی حائز اهمیت است. (به نقل از مردم، ۱۳۷۶: ۱۲). زمانیکه ژنرال سپیریانو کاسترو با دسته کوچک شصت نفری کاراکاس را تصرف کرد اعلام تشکیل دولت کاسترو با تجدید جنگ‌های مسلحانه همراه شد که گسترده‌ترین منازعه از زمان جنگ‌های استقلال بود. این جنگ‌ها امید به ساختن ساختاری اداری قابل اجرا را از بین برد اما موفق شد قدرت را در کاراکاس برای همیشه متمرکز سازد که این خود به قیمت فاجعه اقتصادی، بحران سیاسی و حق حاکمیت ملی تمام شد. چون کاسترو قادر به پرداخت بدهی خارجی نبود قدرتهای خارجی در ۱۹۰۲ حساب‌های بانکی و نزولاً رامسدود کردند تا مجبور به قسط بندی بدهی‌ها شود این تحریم تاریخی به سقوط کاسترو به دست سرهنگ زیر دستش خوان وینست گومز با کمک حتمی ایالات متحده انجامید. (کارل ۱۳۸۸، ۱۲۶) در مواردی دیگر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ بر اساس اختیارات خود در



مورد اعمال مجازات اقتصادی، نقض صلح و عمل تجاوز، دولت رودزیار را مورد تحریم قرار داد. هدف مجازات‌های مزبور آن بود که حکومت طرفدار برتری سفیدپوستان مستعمره مجبور گردد ترتیب چنان استقلالی را فراهم آورد که در آن همه شهروندان نه فقط سفید پوستان به حکومت رأی دهند. به هر حال در بلند مدت تحریم و ممنوعیت معامله سهم مهمی در مسئله رودزیار بویژه در میان سفید پوستان داشت که وارد شدن در نیروهای چریکی سیاه پوستان را تشویق کرد. جنگ چریکی رژیم اسمیت را سرانجام به تسلیم قدرت به اکثریت سیاه پوستان نمود. بنابراین مجازاتها (تحریم) در کوتاه مدت در نمادین ساختن عدم مشروعیت رژیم اسمیت و کمک به ایجاد شرایط مطلوب برای جنبش چریکی از نظر سیاسی موفق و موثر بودند. (هالستی، ۱۳۷۳: ۳۹۱). پس می‌توان افزود تحریم‌ها به زعم خود می‌تواند به سقوط دولت‌های تحریم شده کمک کند و در اقدامات رهبران دولت‌های مزبور اخلال ایجاد کند و سبب بی‌ثباتی در ساختار سیاسی شود زیرا هدف اصلی تحریم‌ها ایجاد فشار برای تغییر سیاست کشور تحت تحریم و متزلزل ساختن ساختار سیاسی آنهاست. چرا که تداوم این سیاست با سیاست و اهداف کشور مورد هدف مغایرت دارد.

تحریم می‌تواند بین ۵ تا ۱۰ سال نتیجه بخش باشد تا بتواند در این مدت نتیجه اش را بدهد اما تحریم کننده‌ها این مدت را در ظرف نزدیک به ۲ سال می‌بینند و می‌خواهند که هدف در این مدت اثر بگذارد زیرا این تحریم‌ها از بهترین و سازمان یافته ترین تهدید کننده‌ها می‌باشد که در همان ابتدا توانایی و پتانسیل صدمه به همکاری‌های دولتها را دارد و می‌تواند به همکاری و مشارکت آنها صدمه وارد سازد. (murtagh:2006,4). یک طرف مسئله، واقع‌گرایی نسبت به زمان تحریم بوده است. تحریم از لحاظ زمان شناسی و جامعه شناسی به نحوی عمل می‌کند که تمام معضلات و واقعیات ملموس و سرد جامعه و حکومت را مد نظر قرار می‌دهد. تحریم‌ها می‌تواند پرده‌های واقعی اسناد





تاریخی رو به انحطاط جوامع و حکومت‌ها را ترسیم کند (نجفی، ۱۳۹۳: ۶۱) زیرا کشوری که دارای نهادهای شکننده و فاسد است در پی تحریم‌های همه جانبه به سرعت با نارضایتی عمومی و شکست مواجه می‌گردد. (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۰۵) و می‌تواند نشان دهد چگونه می‌توان با مطرح کردن فشار برای تغییر حکومت پروتاریا در جامعه به صورت عمومی عمل کرد. تحریم‌های اقتصادی به طور معینی وضعیت آفریقای جنوبی در طول سال‌های ۱۹۸۰ را ضعیف کرد که در این دوره این وضعیت سبب کاهش همکاری‌های اقتصادی و ایجاد شورش برای این کشور شد. البته تغییرات نباید اغراق آمیز باشد اما رئیس نیروی شورشیان توانست شورش و قیام توده‌های داخلی آفریقای جنوبی را به شرط دموکراتیزه کردن مهیا کند. ملحق شدن به این شورش‌ها به دلیل ناتوانی حکومت در ساختن یک استراتژی منسجم نسبت به تحریم‌ها و ایجاد سرمایه گذاری در محو قحطی، فرار سرمایه و کاهش ارزش در این دوره بیشتر از همه مهم بود (hyslop:2006,61). این وضعیت نشان می‌دهد که تحریم‌ها نقش برجسته و حائز اهمیتی را در بی ثبات سازی ساختار سیاسی ایفا می‌کند بدین معنا با افزایش تحریم‌ها دولت از حیث اقتصادی با بیکاری و تورم مواجه می‌شود و با مختل شدن سیستم اقتصادی به تدریج این معضلات دامگیر نظام سیاسی می‌شود زیرا دولت با شورش، خشونت و اعتراض مردمی قرار می‌برد که از تحریم‌ها متضرر گردیده اند. این معضلات می‌تواند حکومت را به سمت بی ثباتی بکشاند چرا که اخلال در سیستم اقتصادی همراه با شکنندگی ساختار سیاسی می‌تواند اساس و بنیاد دولت را به تدریج سست و به ریزش و بی ثباتی در ساختار حکومت بیانجامد. بدین ترتیب زمان تحریم به عنوان یک ویژگی مهم و برجسته همراه با بی ثباتی، شکنندگی در ساختار سیاسی و ناتوانی حکومت در حل این معضلات می‌تواند پایه‌های رژیم دولت تحت تحریم را متزلزل و در نهایت آنها را در وادی بی ثباتی و فروپاشی قرار دهد.

یاست ژوبی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



حربه تحریم سابقه‌ای طولانی به درازای تمدن بشری دارد و می‌توان آن را ابزاری  
طویل‌المدت نامید که دولتمردان و سیاستمدان در دوران‌های متعددی جهت رسیدن به  
منافع خود از آن استفاده کرده‌اند. در این راستا برخی از دولت‌ها آسیب‌پذیری بیشتری از  
تحریم نسبت به دیگر کشورها می‌بینند که مصداق بارز آن کشورهای جهان سوم است  
که دارای اقتصاد تک‌محصولی مبتکی بر نفت هستند. حربه تحریم به اشکال گوناگونی  
می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از جمله عدم اعطای وام، صدور و یا خودداری از آن،  
تحریم تجاری و بازرگانی، محاصره اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها، افزایش و کاهش  
تعرفه‌های گمرکی، عدم مشارکت در سرمایه‌گذاری و نظایر اینها می‌تواند مصداق بارزی  
از این حیث باشد. هر اندازه دولتی از قدرت و توانایی کمتری برخوردار باشد وابستگی  
آن به دولت‌ها بیشتر باشد در مقابل تحریم اقتصادی، مالی و تجاری و تکنولوژیکی  
آسیب‌پذیرتر است. (قوم، ۱۳۸۵: ۲۱۳). تجربه تحریم نفتی ۱۹۷۳-۷۴ کشورهای تولید  
کننده نفت عرب موجب تحریک تحولات زیادی شد. پیامدهای تحریم لازم است به  
طور دقیقی بررسی شود که آیا چنین امری می‌تواند دوباره اتفاق بیفتد و تحریمی  
همانند تحریم نفت می‌تواند به عنوان سلاحی سیاسی برای ارباب و حق‌السکوت  
استفاده کنند. شاید بیشتر از هر قدرت جهانی دیگری ایالت متحده پیش‌قراول اعمال  
تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه علیه کشورهای تولیدکننده نفت بوده است تا آنها  
را مجبور به تغییر سیاست‌هایشان کند اما سرگذشت تحریم‌ها و سوابقی که کشورهای  
قدرتمند علی‌الخصوص ایالات متحده در کاربرد تحریم دارد نشان می‌دهد که این  
کشور از نفت و ابزار تحریم به عنوان سلاحی اقتصادی بهره‌برده است و از آن در  
جهت تغییر سیاست کشورهای نفتی بکار می‌برد. (بهجت، ۱۳۹۳: ۱۸۲) بطور کلی و اجمالی  
می‌توان گفت اثرات گذاری تحریم‌ها در تمام وجوه سیاسی و اقتصادی دولت‌های تحت  
تحریم ملموس و قابل مشاهده است و به دلیل جهت‌گیری‌هایی که دارد در نوع خود



کاربرد برجسته‌ای دارند. هرچند این اثرگذاری به زعم خود در تمام دولت‌ها اعم از دموکراتیک و غیردموکراتیک خود نمایان است اما بر مبنای مطالعات گسترده می‌توان چنین استنباط کرد که شدت تأثیرات تخریب‌کنندگی و بی‌ثبات‌سازی از حیث سیاسی و اقتصادی در دولت‌های رانتیر و تک‌محصولی بیشتر است و به دلیل ساختار وابسته و آسیب‌پذیری که دارد می‌توان این آسیب‌ها را بوضوح دید. ایران نیز بسان دولتی رانتیر می‌توان مصداق بارزی از این حیث باشد مصلی نژاد معتقد است ایران بدلیل اختلافات سیاسی با دول غربی از ابتدای انقلاب تاکنون با تحریم‌های متعددی از حیث سیاسی و اقتصادی مواجه بوده است و به دلیل ساختار آسیب‌زای اقتصاد تک‌محصولی بر این آسیب‌پذیری افزوده است. بر این اساس تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در تمام دولت‌های ایران اجرا شده است. به طور مثال می‌توان به تصویب قطع‌نامه ۴۱ از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد جهت تحریم اقتصادی ایران اشاره کرد. بر اساس این تحریم‌ها طیف گسترده‌ای از تحریم‌های و محدودیت‌های مالی، بانکی و اقتصادی، حمل و نقل و بیمه‌ای علیه ایران اعمال گردید. نتیجه این تحریم‌ها که خود مستمسک و مبنایی برای تحریم و تشدید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و سایر کشورها شد در معرض خسارت‌ها و آسیب‌های بی‌سابقه‌ای قرار گرفت. بر اساس قرارداد ۱۹۲۹ تلاش گسترده‌ای برای غیرقانونی کردن برنامه هسته‌ای ایران شکل گرفت و موجب شد اولاً تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران نهادینه گردد و برای آن مستمسکی قانونی برای اقدامات ایزایی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای علیه ایران فراهم شود ثانیاً وجهه و جایگاه ایران در معرض آسیب قرار گرفت و هزینه تعامل سیاسی با دیگر شرکایش بالا گرفت. ثالثاً این تحریم‌ها به حوزه دفاعی کشور که در قالب ممنوعیت دفاع موشکی و تحریم نامحدود آن نیز تسری دامنگیری پیدا کند. تاسیس گروه کارشناسی تخصصی در شورای امنیت برای نظارت دقیق بر اجرای تحریم‌ها، موجب نهادینه شدن بیش از پیش

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



نظام تحریمی شورای امنیت شد و در عمل ایران علی‌رغم عضویت در معاهده اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، از تمام مزایای خود محروم و تکالیف و مسولیت‌های بسیار فراتر بر آن تحمیل شد و در نهایت اینکه نه تنها برنامه هسته‌ای ایران در معرض آسیب قرارگیرد بلکه امنیت ملی آن نیز به مخاطره افتد. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۸۴). که در اینجا می‌توان اثرات تحریم را پذیرفت و واقف بود که این تأثیرات در دولت‌های متکی بر نفت و تک محصولی به مراتب بیشتر و آسیب‌پذیرتر است و بسان پاشنه آشیل این دولت‌ها، دولت آمریکا و تحریم‌کنندگان را مجاب به کاربرد این حربه می‌کند. بنابراین در مورد ایران و تحریم آن از سوی آمریکا این استدلال را تداعی می‌کند که درآمدهای نفتی شاه‌رگ حیاتی اقتصاد ایران است و با انسداد این درآمدها و اختلال در ورود سرمایه و درآمدهای نفتی، در صدد دستیابی و نیل به اهداف خویش است تا با استفاده از این ابزار، ایران را مجاب به تغییر رفتارهای سیاسی خود کند.

اثرگذاری محرز تحریم‌های ایران در جبهه سیاسی ملموس است بطوریکه با اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، دستیابی این کشور به درآمدهای نفتی و ذخایر نفتی خود محدود شد و با افزایش هزینه‌های مبادله و عدم امکان دسترسی به منابع و مسیرهای مبادله بانکی و بیمه‌ای روز به روز فشارها بر اقتصاد و جامعه ایران بیشتر شد. در نتیجه این وضعیت ارزش پول ملی در قیاس با ارزش‌های بین‌المللی بشدت کاهش یافت و اگر برخی ذخیره‌ها و اندوخته‌های ناشی از افزایش نفت نبود، با فروپاشی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مواجه می‌شد. (رضاجیلی، ۱۳۹۶، ۳۹۳). بنابراین علت اصلی کارآمدی تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری علیه ایران، تبدیل گزینه نظامی به مکملی برای تحریم بوده است چراکه این تأثیرات بدلیل ارزیابی تحلیل سود و هزینه سیاستمداران ایران، مهمترین اولویت حفظ نظام سیاسی است. بطوری که سیاستمداران به این نتیجه رسیدند تا دوام تحریم و فشار ناشی از آن منجر به بی‌ثباتی نظام گردد چراکه با وجود



هزینه گزاف نظامی حمله نظامی محتمل به نظر نمی رسد با این احتساب غرب پس از فشار اقتصادی ناشی از تحریم گزینه نظامی را قطعی نماید اما این سناریوها کارساز نبوده است چراکه به دلیل انسجام سیاسی، دولت در برابر فشارهای تحریم مقاومت کرده است و مانع سقوط نظام گردیده است. (بیات، محسن، ۱۳۹۵: ۶۰). بدین صورت می توان گفت تحریم‌ها زمانی از کارایی مطلوبی برخوردار است که اولاً هزینه‌ای سنگین بر کشور مورد تحریم تحمیل شود ثانیاً این فشار تحریم بتواند فشار اقتصادی رابه فشار سیاسی تبدیل کند و تغییرات مورد نظر را در رفتار و ماهیت رژیم تحت تحریم بوجود آورد ثانیاً هزینه‌ای که بر کشور تحت تحریم اعمال می شود به مراتب بیشتر از هزینه آن برای اقتصاد کشور تحریم کننده باشد و در نهایت اینکه در مقایسه با سایر تحریم‌ها مطلوبیت بیشتری داشته باشد. یکی از جوانب کلیدی در مقوله اثرات تحریم در ساختار سیاسی کشور سیاست‌های هدف برای دفاع در برابر تحریم، میزان توانایی در بسیج اقتصادی خود برای تأمین نیاز داخلی است. این مسئله می تواند به کاهش تأثیرات فوری و صدمات بعدی تحریم‌ها منجر شود. ایران با میزان جمعیتی بالا که بخش بزرگی از آن جوانان تشکیل می دهد و منابع طبیعی فراوان زمینه بسیار مستعدی برای تقویت اقتصاد داخلی تحریم دارد (میراحمدی، رشیدی، ۱۳۹۳: ۳۴) و به دلایل ساختار سیاسی منسجم از یک سو و توانایی رژیم در بسیج سیاسی علیه دولت تحریم کننده از دیگر سو توانسته است اثرگذاری تحریم‌ها را کمزنگ کند هر چند که با تحریم‌های یک جانبه و گسترده‌ای که آمریکا پس از ۱۳ آبان ۱۳۹۷ علیه ایران اعمال کرد می تواند اثر گذار باشد اما به دلایل مزبور تا حدودی سناریوهای آمریکا برای بی ثبات سازی این کشور مبنی بر تغییر رفتار و حتی تغییر رژیم در پس برجام تا حدودی نقش بر آب شده است. زیرا آمریکا با تحریم گسترده و بی سابقه این کشور در صدد است تا ایران را از حیث سیاسی و اقتصادی ضعیف کرده و در نهایت با حربه نظامی به تغییر رژیم دست یابد بدین معنا سناریویی که برای



تغییر نظام سیاسی عراق و حمله نظامی به این کشور کاربرد برای ایران نیز کاربرده شود چرا که دولت‌های رانتیر علی‌رغم اختلاف در نوع حکومت آنها وجه اشتراکشان وابستگی به درآمد نفت و رانتیر بودن آنهاست اما ایران به دلایلی از جمله مشروعیت نظام، انسجام سیاسی، توانایی بسیج سیاسی و پایگاه قوی اجتماعی همراه با سازماندهی این نیروها نمی‌تواند مثر ثمری برای اهداف آمریکا و متحدانش باشد. اگرچه تحریم‌ها اثراتی در ساختار اقتصادی و دیگر وجوه مختلف گذاشته و تحریم‌هایی از جمله تحریم بانکی سوئیت، کشتی رانی، بانک مرکزی، سپاه، شخصیت‌های حقوقی توانسته است بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد و رکود تورمی بی‌سابقه‌ای در کشور ایجاد کند اما به دلایل مزبور بی‌ثبات‌سازی سیاسی در چنین مقطعی دور از انتظار است.

## ۶. تأثیر تحریم بر ساختارهای سیاسی دولت‌های غیردموکراتیک

بر اساس این استدلال که تحریم‌هایی می‌تواند تأثیرات غیردموکراتیک یا دموکراتیک در برخی از حوزه‌ها بگذارد می‌توان گفت که در سیستم‌ها و نظام‌های غیردموکراتیک به طور عمومی توزیع رانت در جهت و سمت و سوی نخبگان قرارداد به عبارتی دیگر توزیع رانت در میان نخبگان حکومتی و افرادی که در بطن قدرت قرارداد می‌چرخد. در نتیجه اطمینان یافتن آنها از ثبات سیاسی موجب ابقای آنها می‌گردد. بدین سان می‌توان افزود که اثرات تحریم بر روی کشورهای غیردموکراتیک و دیکتاتور کم‌تراست و بیشتر این اثرات بر روی مردم آنها تحمیل می‌گردد. تحریم‌ها در کوتاه مدت به سمت توتالیتریسمی قدرتمند تمایل دارد. به طور نمونه می‌توان گفت که روسیه از چنین ویژگی‌ای برخوردار است زیرا این کشور در تحریم سازمان ملل و اتحادیه اروپا علیه آن، موجب بی‌ثبات شدن رژیم روسیه نشد. تحریم پتانسیل تأثیرگذاری اجباری روی نظام-ها را دارد به طوری که مانع فساد و اختلاس میان نخبگان (الیت‌ها) می‌گردد بنابراین در اینجا شاهد کاهش سطح فساد هستیم که به طور معمولی بر روی نوآوری و کسب



و کار تأثیری می‌گذارد. (Galeotti, Louis, Andrew: 2015, 5) تحریم با تحمیل تغییر در ارزش قدرت و با تأثیر گذاشتن بر ساختارهای آن، موجب توقیف درآمد و انسداد بودجه دیکتاتورها می‌شود. اندازه نسبی این تغییرات و مقدار فشار معطوف به قدرت تحریم، به تدریج سبب افزایش منفعت دیکتاتورهای می‌گردد (kaempfer, Lowenberg: 2007, 87) این کاهش فساد در اینجا از این مقوله ناشی می‌شود که تحریم‌ها از یکسویه دلیل اختلال در سیستم‌های اقتصادی سبب کاهش بودجه دیکتاتورها می‌شود و با فشار و تغییر قدرت همراه است که می‌تواند آسیب پذیر باشد و از سوی دیگر منفعت دیکتاتورها این اندیشه را تداعی می‌کند که برای خنثی سازی این پیامدها به تحکیم قدرت پردازند. حاکمانی که براریکه قدرت تکیه زده اند با کاهش این بودجه آنها مجبور به تسلیم در برابر کشورهای تحت تحریم می‌شوند اما مطالعات مختلف این مقوله را غیر موثر نشان می‌دهد بدین معنا در حکومت‌های غیر دموکراتیک به دلیل عدم وجود ساختار سیاسی دموکراتیک تحریم‌ها نمی‌تواند موجب تغییر رفتار آنها گردد زیرا رژیم در مواجهه با چنین اقداماتی به دلیل قبضه کردن تمام نهادهای حکومتی سیستم قادر به بی‌ثبات شدن نیست و اگر هم مواجه شود تبعات تحریم نسبت به دیگر رژیم‌هایی که این نسبت غیر دموکراتیک بودن کمتر است، کم‌رنگ‌تر خواهد بود.

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی  
تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی  
دولتهای دموکراتیک



در این باره نیز برخی بر این باورند که تغییر سیاست رهبران نظام‌های سیاسی غیر دموکراتیک به علت فشار ناشی از تحریم تأثیر چندانی ندارد زیرا این قبیل نظام‌ها به علت وجود ساختاری غیر دموکراتیک از جانب مردم خود فشاری را لمس نمی‌کنند و در هنگام مواجهه با این فشارهای خارجی (تحریم) به حمایت قوی تر دولت و بسیج سیاسی می‌پردازند. (آل کجیاف، انصاریان، ۱۳۹۳: ۱۶) بنابراین در نوع نظام سیاسی و اثرات تحریم می‌توان چنین استنباط کرد که به هر میزان کشور هدف یا مورد تحریم دموکراتیک تر باشد و اقتصاد آن نیز وابستگی بیشتری به کشورهای تحریم کننده داشته باشد به

همان میزان شانس موفقیت و یا اثر گذاری تحریم بیشتر خواهد بود. اندیشمندانی نظیر لکتزین و سوا معتقدند تحریم اقتصادی علیه حکومت‌های غیردموکراتیک شانس موفقیت چندانی ندارد زیرا رهبران این نوع حکومت‌ها برای ایجاد ائتلاف داخلی و مقابله با آثار تحریم مشکل چندانی ندارند. (به نقل از معظمی، سرعتی آشتیانی، ۱۳۹۱: ۳۰) چرا که تحریم‌های فراگیر ابزارهایی اند که آلام آن را ضعفا و فقرا بیش از نخبگان تصمیم ساز در کشورهای دیکتاتوری لمس می‌کنند. از لحاظ تاریخی تحریم‌های اقتصادی تنها در صورتی نتیجه بخش بوده اند که بصورت جامع، مشترک و مداوم بکاررفته است و از مشروعیت لازم برخوردار بوده است. بدین سان بدون حمایت نیرومند شرکتهای خارجی و دیگر کشورها و جهان شمولی بودن تحریم‌ها توان اثرگذاری بلند مدت و طولانی را نخواهد داشت. (همایون: ۱۳۸۵، ۱۵) تمرکز اصلی آثار تحریم بر روی اهداف اولیه در یک مفهوم بسیار مضیق، تنها بر موفقیت اهداف سودمند بوده است. در مورد ابتکار تحریم علیه عراق هدف اولیه اجبار صدام حسین برای خروج از کویت بود. در مورد تحریم لیبی به رهبری آمریکا هدف اجبار دولت قزافی برای تسلیم کردن افرادی که ادعا می‌شد در تروریسم هوایی دست داشتند انجام گرفت. اگر تحلیل‌ها تأثیرگذاری بطور دقیق متمرکز اهداف اولیه باقی بماند تحریم‌ها مطمئناً این تأثیرگذاری را کاهش داده اند. سوابق به روشنی نشان داده است که تحریم‌ها به ندرت قادر به عقب نشاندن تهاجم نظامی است و توانایی محدودی برای تخریب رژیم هدف دارد و هرگز دیکتاتوری راسرنگون نکرده است. (لاتزو، کارت رایت، ۱۳۷۶: ۲۳) وود وارد استدلال کرد که تحریم‌ها ممکن است بحران را از طریق تقویت عمل درگیری شدت بخشد تا حدی که بحران اقتصادی، علت ریشه‌ای درگیری است و مشکلات شبکه‌ها و وفاداری‌های قبیله‌ای را تقویت کرده و در نهایت جنبشی از جوانان بیکار را مجبور کرده که به خدمت نظامی بپیوندند. تحریم‌ها منجر به مهاجرت روشنفکران طبقه متوسط و لیبرال‌ها





شد که می‌توانستند به سیاست جنگ اعتراض کرده و بنیاد اقلیت مخالف دموکراتیک را تشکیل دهند. وقتی که تحریم‌ها تحمیل می‌شود می‌تواند موجب پیش آمدهای سیاسی در ملت مورد نظر شود که به احتمال زیاد زیان می‌رساند و می‌تواند باعث ایجاد اثر همبستگی شود. به عبارت دیگر رژیم از مشکلاتی که توسط خارج تحمیل شده در جهت بسیج پشتیبانی از سیاست‌هایش استفاده می‌کند و یا اینکه آنها می‌توانند مخالفان داخلی را تشویق کرد و مخالفت سیاسی ملت مورد نظر را تقویت می‌کند که می‌تواند به افزایش تغییر سیاسی و اصلاح بیشتر بگرایند. بدین سان وقوع اثر بسیجی در رژیم‌های سرکوبگر همه گیر بیشتر محتمل است زیرا دولت می‌تواند به رسانه‌ها تسلط داشته باشد و می‌تواند مردم را در جهت حمایت از سیاست‌هایش بسیج کند. (به نقل از یوکاناندا، ۱۳۷۶

یاست پژوهی

۱۷): با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا تحریم‌های بسیار مهمی علیه کوبا بکار برد و این تحریم‌ها ممکن بود به تغییر نظام سیاسی بیانجامد. تحریم‌های اقتصادی علیه آفریقای جنوبی نیز در ارائه احتمال رشد و تکامل به نظام لیبرال تر نمایندگی حکومت در این کشور وسیله‌ای قطعی بود. تحریم‌های بین الملل اقتصادی سبب سقوط قدرتمندان لیبی و عراق نشد اما محدودیت‌هایی بر این رژیم‌ها برقرار کرد که سرانجام تغییرات بنیادی در رژیم لیبی بوجود آمد و سرانجام با دخالت نظامی آمریکا خاتمه یافت و دولت معمر قذافی سقوط کرد. رژیم عراق نیز سرنوشت لیبی را پیدا کرد به گونه‌ای که تحریم‌ها قادر به تغییر رفتار صدام حسین نبود و نتوانست به تغییر رژیم وی بیانجامد تا اینکه با مداخله نظامی آمریکا در ۲۰۰۳ به عمر دولت وی خاتمه یافت. (بال، گای پیتز، ۱۳۹۰: ۳۲۸). با توجه به مباحث مذکور می‌توان گفت تحریم‌ها بر روی کشورهای غیر دموکراتیک و اقتدارگرا تأثیرات کمتری دارد زیرا بر مبنای منطقی که بر ساختارهای کشورهای مزبور استوار است نمی‌توان تغییرات بنیادینی را انتظار داشت به همین دلیل این کشورها نسبت به دیگر کشورها کمتر دچار دگرگونی بر اثر فشار ناشی از تحریم می-



شوند. در رژیم‌های استبدادی و غیردموکراتیک تحریم می‌تواند به عنوان ابزاری جهت تحکیم قدرت و ماندگاری الیت‌ها، به ابقای آنها کمک شایانی بکند. این تحکیم قدرت از طریق بسیج سیاسی و همبستگی ملی درصدد است تا آسیب‌های ناشی از تحریم را خنثی و به زعم خود بی‌اثر سازند چراکه با القای وفاداری به نیروهای خود می‌تواند از یکسو به تداوم قدرت خودب پردازد و ازسوی دیگر تأثیرات تحریمی را که سعی در متزلزل ساختن این ساختار برآمده است را خنثی سازد. علاوه بر این تحریم علی‌رغم اینکه در برکناری حاکمان مقتدر روندی را طی می‌کند و در برکناری دیکتاتورها بی‌نتیجه بوده است اما هنوزم به عنوان یک ابزار مفید و کارآمد در سیاست کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تحریم اقتصادی چالش‌های زیادی دارند اولاً اگر دارای اعتبار کافی نباشند فشاری بی‌نهایت را طلب کرده و درثانی به خودی خود موجب ناآرامی و بی‌ثباتی می‌شود امری که بر عقلانیت و تصمیم‌گیری‌ها (سیاسی و اقتصادی) طرف مقابل اثر منفی و قابل توجهی را برجای می‌گذارد. (مبینی، حسین زاده، نوروزی، ۲۰۱۳: ۱۲) هنگامیکه هدف تحریم سرنگونی یک رژیم یا برکناری یک دیکتاتور با شدت حریم همواره با مقاومت موفقیت‌آمیز کشور تحریم شده روبرو بوده است. حاکمانی که کشور را به روش و شیوه‌های پلیسی اداره می‌کنند و شرایط اقتصادی مردم برایشان اهمیتی ندارد در زمانیکه در معرض تهدید یا جنگ قرار می‌گیرند با مانورهای متعدد سیاسی برای منحرف کردن افکار عمومی جو موجود را به نفع خود تغییر داده و پول نیز بابت آن خرج می‌کنند. در مواردی این پول حتی در توسل به کسب و کار مخدر هم تردیدی به خود راه نمی‌دهند. به طور مثال نوریه‌گا تا زمانی که نیکاراگوئه با هجوم نظامی روبرو نشد اثرات تحریم‌ها را از سرگذراند و بالاخره صربها هرگز به تحریم‌های اقتصادی واقعی نگذاشتند. ریچارد بابیس استاد دانشگاه‌هاروارد می‌گوید: تحریم عاملی است که به



خودی خود برای مقابله با روح خودکامگی و یاغی گری مورد استفاده قرار می گیرد یک خودکامه و مستبد هنگامی که احساس کند اعمال تجاوزکارانه اش با هیچ عکس العملی مواجه نمی شود و برای اعمال ضد مردمی و تجاوزکارانه اش تنبیه و مجازاتی وجود ندارد خود را در تداوم روش هایش محقق می داند و تجدید نظر در اعمالش را ضروری احساس نمی کند. (سرویس، ۱۳۷۳: ۲۶) بنابراین در بررسی مسئله تحریم هانه فقط آگاهی از هدف این اقدام مهم است بلکه دانستن اینکه تا چه حد احتمال موفقیت تحریم وجود دارد و با چه بهایی تمام می شود نیز حائز اهمیت است زیرا یک تحریم سال ها و حتی دهه ها زمان نیاز دارد تا بتواند به عنوان یک عامل مستقل تأثیر بگذارد هنگامی که تحریم های یک جانبه را مورد بررسی قرار می دهیم اکثر این تحریم ها توسط کشورهای بزرگ صنعتی و حامی دموکراسی علیه کشورهای غیر دموکراتیک اعمال می شود. (گلداسترین، ۱۹۹۶: ۶-۲۰۵).

مطالعات نشان می دهد تحریم هایی که موفق به تغییر خط مشی سیاسی توسط یک دولت شده است شامل تحریم هایی است که علیه دوست های دولت یا بی طرف اعمال شده است نه دولت های دشمن. موفقیت زمانی حاصل می شود که هدف دولت تحریم کننده، بی ثبات سازی ساختار حکومت تحریم شده همراه با بکارگیری ابزارهای همچون اقدام پنهان و یا اقدام نظامی باشد. هافباور و اسکات در مورد میزان تأثیر تحریم بر ساختار سیاسی و تغییر خط مشی دولت های تحریم شده به این نتیجه رسیدند ضعف توان بالقوه نظامی این گونه دولت ها و قطع ماجراجویی نظامی دولت های متخاصم، عملاً ناموفق بوده است و موفقیت بیشتر در زمانی حاصل می گردد که دولت یا حکومت تحت تحریم از جنبه اقتصادی ضعیف بوده باشد. (به نقل از عزیزنژاد، سید نورانی: ۱۳۸۹، ۴-۱۷۳) به علاوه می توان گفت تحریم در صورت موثر و کارساز خواهد بود که اولاً همه عرضه کنندگان

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت های دموکراتیک



کالا، تکنولوژی یا خدمات یکسره بی هیچ نوع تقلبی از آن پشتیبانی کنند. ثانیاً تحریم باید به دقت طرح ریزی و با شدت و بی اغماض اجرا شود در غیر این صورت تحریم اثرگذار نخواهد بود. بدین سان چنانچه کشور هدف تحریم کوچک و ضعیف باشد احتمال موفقیت تحریم بیشتر است. کشورهای دارای رژیم نیمه دموکراتیکی که نسبت به افکار عمومی جهان حساس اند در برابر تحریم‌ها درسنجش با کشورهای بسته و یا رژیم‌های دیکتاتوری حساس تر هستند. می‌توان آفریقای جنوبی، عراق زمان صدام حسین و لیبی را در این مبحث جای داد. آفریقای جنوبی درسنجش با عراق و لیبی با احتمال موفقیت بیشتری روبرو بوده است. اگر تحریم‌ها با سرعت و قاطعیت اجرا شود احتمال موفقیت آن بیشتر است که در آن نیازمند همکاری و هماهنگی میان اعضاست. (بهروزی فر، کوکبی ۱۳۸۵: ۱۳۶) بالدوین داوری نیز بر سر اثر بخشی، موارد تحریم را تنها با برون دادهای آنان مرتبط می‌دانند برخلاف داوری بر سر کارآمد<sup>۱</sup> یا فایده مندی<sup>۲</sup> که در آنها وسایل و برون دادها مرتبط اند پرسش مهم در هر حالت بر سر بدیل تحریم‌هاست و میزان احتمال دستیابی سیاست‌های جایگزین به مقصود از طریق تحریم‌های اقتصادی حتی چنانچه این احتمال ضعیف باشد. اهرم نظامی به دلیل هزینه‌های گزاف آن نمی‌تواند ابزاری کارآمد باشد. تحریم‌ها عمدتاً در برگیرنده اهداف تغییر رفتار، تحدید و یا تغییر رژیم اند. بدین سان می‌توان گفت تحریم‌ها غالباً در عملکرد خود به عنوان نمادهایی بین المللی و محلی موفق بوده اند. تحریم‌ها به لحاظ ارزشی به منزله نوعی هشدار و قدرت نرم است و از آن روکه غالباً تمهیدی بالنسبه کم هزینه اند به رغم پیشینه‌ای درهم و ناهمگون، احتمالاً در قرن بیست و یکم نیز همچنان خود را به مثابه اهرمی عمده در حیطه قدرت حفظ خواهد کرد. (اس‌نای، ۱۳۹۲: ۱۱۰).



1. Efficiency
2. Utility

## نتیجه گیری

یافته‌های مقاله از حیث اقتصادسیاسی نشان داد تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری کارآمد در سیاست خارجی کشورها، هنوز هم دارای پتانسیل بالایی برای تأثیرگذاری و تغییرسیاست کشورها دارد. شواهد و تجربه نشان داده است که تحریم به زعم خود تأثیرات فراوانی بر تصمیم‌گیری‌ها و اهداف‌های کشورهای مورد تحریم می‌گذارد بدین معنا توانایی بی‌ثبات‌سازی در ساختارهای سیاسی را دارد و می‌تواند منجر به دگرگونی و انحطاط در حکومت‌های تحت تحریم گردد. به نظر می‌رسد دولت‌هایی که با این تحریم‌ها مواجه شدند عمدتاً سبب بی‌ثبات‌سازی ساختارهای سیاسی آنها شد البته میزان این بی‌ثبات‌سازی‌ها بسته به نوع حکومت و نظام سیاسی تفاوت چشمگیری باهم دارند. گری‌ها فاباور و جفری اوسکات در مطالعات خود، هیجده مورد بی‌ثبات‌سازی را استخراج کردند و دریافتند که تحریم‌ها کامیابی شگفت‌انگیزی در بی‌ثبات‌سازی حکومت‌ها دارد و نشان دادند که تحریم عمدتاً بر روی دولت‌های دموکراتیک و مردمی کارایی بیشتری دارند و هنگامی که اصول بنیادین نظام حکومت چنین دولت‌هایی مورد تهدید تحریم قرار گیرد سبب تسلیم و تغییر رفتار آنها می‌شود. بنابراین دولت‌هایی که دارای ساختاری دموکراتیک و حتی شبه دموکراتیکی داشتند در مقابل تحریم قدرت‌های مسط و واکنش نشان دادند و بر اثر فشار ناشی از تحریم مسبب ضررهای فراوانی در ساختارهای اقتصادی خود شدند. بر این اساس می‌توان گفت تحریم‌ها در این نوع دولت‌ها اثرگذاری به مراتب بیشتری دارند و این اثرگذاری، ناشی از ساختارهای پاسخگوی آنهاست. چنین خصیصه‌ی نیز در دولت‌های رانتیر قابل رؤیت است بدین معنا بدلیل وابستگی به درآمدهای نفتی در صورت تحریم متضرر خسارت‌های فراوانی خواهند بود و این ویژگی به پاشنه آشیل این دولت‌ها مبدل شده است. اقتصادی ایران بسان دولتی رانتیر از تحریم‌های یک‌جانبه متضرر شد بطوری که

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



در تحریم شورای امنیت برای نظارت دقیق بر اجرای تحریم‌ها، موجب نهادینه شدن بیش از پیش نظام تحریمی شورای امنیت شد و در عمل ایران علی‌رغم عضویت در معاهده اشاعه سلاح‌های هسته‌ای از تمام مزایای خود محروم و تکالیف و مسولیت‌های بسیار فراتر بر آن تحمیل شد و در نهایت اینکه نه تنها برنامه هسته‌ای ایران در معرض آسیب قرارگیرد بلکه امنیت ملی آن نیز به مخاطره افتد. در وجه اقتصادی نیز تحریم یکجانبه آمریکا در پس برجام در سطح گسترده و بی سابقه‌ای اعمال شد و آمریکا درصدد بود سناریوی تحریم نفتی ایران را بکار برد و به تغییر رفتار و یا تغییر رژیم دست یابد اما به دلیل ساختار منسجم، مشروعیت تام، توانایی بسیج سیاسی نیروها عملاً سناریوی بی ثبات سازی آمریکا کارساز نبوده است. بنابراین اثرگذاری تحریم در دولت‌های دموکراتیک و شبه دموکراتیک ملموس و قابل مشاهده است. تحریم در کوتاه مدت به ایجاد شرایط مطلوب برای جنبش چریکی کمک کرد که مصداق بارزی از تغییر رفتار و یا تغییر نظام سیاسی دولت دموکراتیک و یا شبه دموکراسی می‌تواند باشد اما در مورد دولت‌های غیردموکراتیک اگرچه تأثیرات تحریم را احساس می‌کنند اما به دلیل ساختار غیر دموکراتیک آنها اولاً که وقعی ننهاده ثانیاً به دلیل در اختیار داشتن رسانه‌ها، نهادهای حکومت با بسیج سیاسی مردم تبلیغات سعی می‌کنند تأثیرات آن را خنثی و بی‌اثر سازند که این خود سبب شداین نوع حکومت‌ها از این تهدید و اهمیت‌ای نداشته باشند و همچنان به تداوم سیاست‌های خود بپردازند. به دلیل منطقی که بر دولت‌های دیکتاتور و غیردموکراتیک استوار است تحریم در ساقط کردن چنین دولت‌هایی ناتوان است و با سلاح تحریم نمی‌توان به عمر آنها خاتمه داد و نتوانسته دیکتاتورها را ساقط کند. سابقه تحریم کشورهای از جمله، لیبی، عراق، روسیه و کره شمالی می‌تواند مصداق‌های بارز و قابل تأملی در این چارچوب باشد که تحریم‌ها به تنهایی توانایی و پتانسیل تغییر رژیم‌های غیردموکراتیک را بدون دخالت ابزار نظامی ندارد. تحریم سازمان



ملل علیه روسیه به دلیل نقض تعهدات بین المللی والحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود، م نجره بی ثباتی سیاسی نشد و علی رغم این فشارهای اقتصادی و تحریم های بین المللی، به سیاست های خود ادامه داد. علاوه براین کره شمالی نیز در این مبحث قرار می گیرد چراکه این کشور با وجود تحریم های طولانی مدت سازمان ملل و آمریکا همچنان به تثبیت نظام سیاسی انجامیده و تحریم نتوانسته دامنگیر ساختار سیاسی این کشور شود و آن را از حیث سیاسی بی ثبات کند. مطالعات نشان داد که تحریم ها اگرچه توان بی ثبات سازی را دارند و می تواند به اغتشاش، هرج و مرج و کودتا منجر شود اما نتوانسته است دیکتاتورها را ساقط نماید اما پیامدهای ناشی از تحریم در دولت های نفتی آسیب پذیری بیشتری نسب به هرنوع دولتی دیگر است زیرا به دلیل وابستگی شدید دولت های مزبور پاشنه آشیل چنین دولت هایی مورد هدف قرار می دهد و می تواند به تدریج همچون ویروسی مرگبار نهادهای اقتصادی و سیاسی آنها را فلج کند. در تحریم سازمان ملل علیه کشور عراق به دلیل نقض تعهدات بین المللی، عراق با معاهده نفت در برابر غذا مواجه شد و توانست آسیب های مخربی بر ساختار سیاسی و اقتصادی این کشور وارد کند که می توان به قحطی، گرسنگی، تورم، بیکاری و بی ثباتی اشاره نمود. اگرچه تحریم ها نتوانست به سقوط رژیم صدام حسین بیانجامد اما توانست شاهرگ حیاتی و اقتصادی این کشور را به دلیل انسداد درآمدهای نفتی فلج کند و پس از آن با اقدام نظامی آمریکا، دولت صدام حسین سقوط کرد. علاوه بر اثرات تحریم عدم مشروعیت نظام نیز می تواند موثر واقع شود بدین معنا دولتی که دارای مشروعیت لازم نیست و پایگاه اجتماعی قدرتمندی ندارد در برابر تحریم ها آسیب پذیرتر است. سبک دیکتاتوری منشی حکومت صدام پایه های دولت وی را سست کرد و به سقوط دولت وی انجامید. با گسترش تحریم های بین الملل در عرصه جهانی تحریم در جایگاه خود نقش فعال و پررنگی را در بی ثبات سازی کشورها ایفا می کند و سبب شده اثر

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت های دموکراتیک



بخشی این ابزار همچنان کارآمد و مفید واقع شود. انتظار می‌رود در قرن بیست و یکم تحریم‌ها به عنوان ابزاری مفید و پرکاربرد در جهت منافع کشورها بتواند همچنان حائز اهمیت باشد و با گسترش ارتباطات سیاسی و اقتصادی به دلیل وابستگی کشورها در عصر جهانی شدن، نقش این ابزار پررنگ و برجسته، نمایان شود زیرا در این عصر پرتکاپو و قابل تغییر، انتظار می‌رود به دلیل اینکه این وابستگی‌ها روز به روز بیشتر می‌شود اثرات تحریم نیز در ابعاد سیاسی و اقتصادی بیشتر شود و همچنان پرستیژ خود را به عنوان یک حربه کهنه و کارآمد حفظ کند.





## فهرست منابع

### الف. منابع فارسی

۱. ابوت، لکنث. (۱۳۷۶). *جباروپيام رساني: چارچوبي براي آريزايي تحريم هاي اقتصادي*. ترجمه نبي سنبلې، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. اس، ناي، جوزف. (۱۳۹۲). *آينده قدرت*. ترجمه احمدعزیزی، تهران، نشرنی.
۳. العنبري، عبدالامير. (۱۹۹۹). «اثر تحريم هاي سازمان ملل متحد بر صنعت نفت عراق». ترجمه کریمی ناصري، *فصلنامه مطالعات خاورميانه*، بيروت ۱۶ کتبر.
۴. آل کجبايف، حسين، انصاريان، مجتبی. (۱۳۹۳). «تأثير تحريم هاي يکجانبه و چند جانبه براي ايران از منظر حق بر سلامت شهروندان ايراني». *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال هشتم، شماره ۲۹.
۵. جليلی، رضا. (۱۳۹۶). «تأثير برجام بر جایگاه و منزلت منطقه ای و بين المللی جمهوری اسلامی ايران». *ماهنامه برآورد*، سال سوم.
۶. بال، آلن. ر؛ گای پیترز. ب. (۱۳۹۰). *سیاست و حکومت جدید*. ترجمه عبدالرحمن عالم، نشر قومس، چاپ دوم.
۷. بهجت، جودت. (۱۳۹۳). *امنیت انرژی*. ترجمه عسگر قهرمان پور، رحمن قهرمان پور، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۸. بهروزی فر، مرتضی؛ کوکبی، سمیه. (۱۳۸۵). «تحريم هاي ایالات متحده: آزمودن آزموده». *مجله سیاسی - اقتصادي*، شماره ۲۳۲-۲۳۱.
۹. بی نیاز، علی. (۱۳۹۰). «تحولات اخير خاورميانه». *تحريم اقتصادي ايران*. *فصلنامه سياست خارجي*، سال بیست و پنجم، شماره ۳.
۱۰. بیات، محسن. (۱۳۹۵). «جهانی شدن اقتصاد و نقش تهديد نظامی در راهبرد آمريکا برای کارآمدی تحريم ايران». *فصلنامه سياست*، دوره ۲۶، شماره ۱.
۱۱. پیردایه، هادی؛ پادام، سیدسجاد (۱۳۹۴). *بررسی تحريم هاي اقتصادي عليه ايران*. آثار، رهاوردها، راهکارها. شرکت علمی پژوهشی و مشاوره آینده سازی کنفرانس بين المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی.
۱۲. دره شیري، محمدرضا؛ سبزه پرور، سحر؛ افشار، محمد (۱۳۹۱). «اثر تحريم اقتصادي بر رشد اقتصادي». *مجموعه مقالات همایش ملی آسیب ها و فرصت هاي تحريم اقتصادي دانشگاه ادراک*.

یاست پژوهی

اقتصاد سیاسی تحریم و تأثیر آن بر ساختار سیاسی تطبیقی دولت‌های دموکراتیک



۱۳. جمعی از پژوهشگران. (۱۳۹۲). *روایتی کوتاه از تحریم*، انتشارات اندیشکده راهبردی تبیین.
۱۴. سرویس. (۱۳۷۳). «*تحریم اقتصادی حریه است یا آمد؟*» ترجمه مقاله اقتصاد، سیاست و جنگ در جنوب شرقی. *ماهنامه گزارش*، شماره ۴۲.
۱۵. صیادی محمد؛ برکشلی، فریدون. (۱۳۹۱). «اثرات بلندمدت و کوتاه مدت تحریم‌های بین‌المللی بر بخش انرژی ایران»، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، *گزارش راهبردی*، شماره ۵۵، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۶. عزیزنژاد، صمد؛ سید نورانی، سید محمدرضا. (۱۳۸۹). «بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی». *فصلنامه مجلس و پژوهش*، سال ۱۶، شماره ۶.
۱۷. عسگریان، عباس؛ وکیلی، فرهاد. (۱۳۹۳). «رژیم چندجانبه تحریم درواکاوای ساز و کار تحریم‌های اعمالی علیه روسیه». *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۶.
۱۸. غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۲). «تحریم گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران». تهران، *فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*. سال دوم، شماره ۴.
۱۹. فرازمنده، حسن؛ حکمت مسعود، کیان پورپرتو (۱۳۹۱). «بررسی اثر تحریم اقتصادی بر تولید بخش کشاورزی با استفاده از نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید». انجمن علمی اقتصاد کشاورزی، کنفرانس علمی دانشجویی اقتصاد کشاورزی، موسسه مطالعات اف دی دی .
۲۰. فون، اسپرینک، هانس سنن. (۱۳۹۴). *گونه‌ای از جنگ نظام تحریم‌های سازمان ملل در عراق*. ترجمه. عباس هدایتی خمینی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۱. قاسمی، مصطفی. (۱۳۸۸). «تحریم یک جانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن». *فصلنامه مریبان*، سال هشتم، شماره ۲۷.
۲۲. کارل، تری لین. (۱۳۸۸). *معمای فراوانی دولت‌های نفتی رونق‌های نفتی*. ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، نشر میزان.
۲۳. گگلی، چارلز دبلیو؛ ویتکف، اوجن آر. (۱۳۸۴). *سیاست خارجی آمریکا، الگو و روند*. ترجمه اصغر دستمالچی، چاپ دوم، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی





۲۴. گلداستین، لارنس جی (۱۹۹۶). «تحریم‌های اقتصادی، علل سیاسی و تأثیرات اقتصادی». *مجله سیاست خارجی*، مرضیه ساقیان، سال یازدهم، شماره ۱.
۲۵. لاتزو، جرج، کارت رایت، دیوید. (۱۳۷۶). *عصر تحریم جایگزینی برای مداخله نظامی*. ترجمه علی اکبر رضایی، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۶. مبینی، محمدعلی؛ حسین زاده، علی و نوروزی، نورمحمد. (۲۰۱۳). «واکاوی تحریم‌های اقتصادی یک جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه بایسته‌های منشور جهانی حقوق بشر». *کنفرانس بین المللی اقتصاد تحت تحریم*، ۲۲ سپتامبر.
۲۷. مختاری هشی، حسین. (۱۳۹۴). «تأثیر تحریم‌های بین المللی بر عوامل قدرت ملی با تأکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ج. ا. ایران». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال یازدهم، شماره دوم.
۲۸. مردم، ژیل. (۱۳۷۶). *دموکراسی، وابستگی و بی ثبات سازی: متزلزل ساختن حکومت آینده*. ترجمه اصغر صارمی شهاب، زیر نظر مصطفی زهرانی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۹. معظمی، منصور؛ سرعتی آشتیانی، نرگس. (۱۳۹۱). «راهبرد مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران با تأکید بر همکاری‌های دانشگاه و صنعت». *فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی*، شماره ۱.
۳۰. مک لین، ایان. (۱۳۸۷). *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*. ترجمه حمیداحمدی، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، با تجدید نظر کامل.
۳۱. مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی ایران (دوره معاصر)*. چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. میرمطهری، سید احمد. (۱۳۹۲). «افزایش ریسک سیستماتیک اقتصاد ایران تحریم و بازار سرمایه». *فصلنامه تازه‌های اقتصادی*.
۳۳. میراحمدی، سید محمود؛ رشیدی، حسن (۱۳۹۳). «تحریم و تأثیرات آن بر کسب و کار در ایران». *مجله اقتصادی*، شماره ۳ و ۴، صص ۳۷-۴۲.
۳۴. -نجفی، موسی. (۱۳۹۳). *اندیشه تحریم و خودباوری، تحلیل متون و اسناد تاریخی اقتصاد مقاومتی در تحولات سیاسی ایران*. نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.